

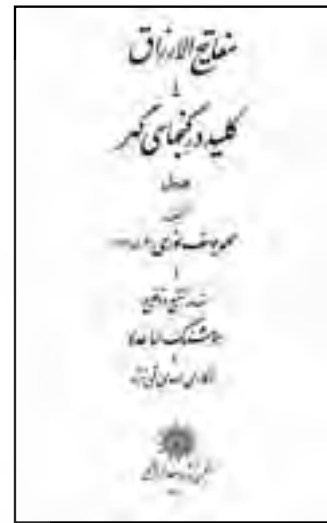
• دکتر شهرام یوسفی فر
عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی تاریخ،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برگ زرینی از میراث مکتوب روستانشینی و تاریخ کشاورزی ایران

است. اگرچه برخی از محققان در توضیح این مقوله به افراط گرویده و از الگوی جامعه‌ی آسیایی، تصویری خشک و فاقد روح از مناسبات شهری و روستایی ایران خلق کرده‌اند؛ اما با تأملی گسترده‌تر می‌توان به تأثیرگذاری‌های متقابل شیوه‌های تولید شهری، روستایی و شبانی و استقرار شکل‌بندی‌های اجتماعی - اقتصادی چندوجهی در تاریخ ایران پی برد.

تولید زراعی و سایر فعالیت‌های اقتصادی که در روستاهای ایران در جریان بود، مهم‌ترین منبع تأمین هزینه‌های بخش حکومت - به‌عنوان مبنای بودجه‌بندی - و بسیاری از خاندان‌های اشرافی و لایه‌های متوسط این جامعه را تشکیل می‌داد. ارتزاق بسیاری از دیوان‌سالاران، نظامیان و دیگر کسانی که از عطایای حکومت روزگار می‌گذراندند، بر درآمدهایی استوار بود که از روستاها می‌آمد. در کنار بخش حکومت، همیشه اقشار مختلف شهری یا صاحب املاکی در خارج شهرها و روستاهای دور و نزدیک بودند یا در آرزوی چنین شرایطی به سر می‌بردند. در بسیاری از اندرنامه‌ها، خرید و نگاهداری «ضیاع و ملک» شرط دوراندیشی بود. نهاد وقف نیز به‌نوبه‌ی خود درآمدهای بسیاری از بخش اقتصاد زراعی و روستایی به سوی نهادها و مؤسسات دینی، فرهنگی و اجتماعی شهرها روانه می‌داشت.

جایگاه بسیار بااهمیت اقتصاد روستایی در زندگی جامعه‌ی ایران سبب می‌شد که در حوزه‌ی سیاست‌مداری و حکمرانی، آموزه‌های ویژه‌ای برای تعریف کارکردهای ویژه در نزد حکومت‌ها و وظایف برای حکمرانان به وجود آید که بر اساس آن ترویج کشاورزی و روستانشینی به مانند یک ارزش اجتماعی و اعتقادی به شمار می‌آمد و تأسیس بسیاری از مؤسسات زیرساختی کشاورزی به عهده‌ی حکومت و عوامل آن گذاشته می‌شد. در واقع، اقتدار سیاسی و نظامی در گرو وجود اقتصاد روستایی سالم و پویا و قدرتمند به شمار می‌آمد. بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی نیز مالکان بزرگ و کوچک زمین‌های کشاورزی را به رعایت رعایا و شکوفا کردن اقتصاد روستایی سوق می‌داد. اما مالکان بزرگ یا اجاره‌داران املاک کشاورزی و روستاها در کنار حکومت، به‌عنوان



- مفاتیح‌الارزاق یا کلید در گنج‌های گهر، ۳ جلد
- تألیف: محمد یوسف نوری (قرن ۱۳ هـ ق)
- مقدمه و تصحیح و توضیح: هوشنگ ساعدلو با همکاری مهدی قمی‌نژاد
- تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱

اشاره

تاریخ پیدایش استقرارگاه‌های روستایی و مناسبات کشاورزی در جامعه‌ی ایران بسیار کهن‌تر از زمان ظهور شهرها و مناسبات شهرنشینی در این سرزمین است و دیرپایی این مناسبات کهن تا تاریخ معاصر ما و هنگامی که برنامه‌ی اصلاحات ارضی شالوده‌های نظام کهن را در هم ریخت، مسجل بود. شیوه‌ی تولید زراعی، به‌عنوان یکی از شیوه‌های تولیدی در جامعه‌ی ایران، در قرون متمادی تأثیرگذاری‌های مستقیمی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایران دربرداشته

انتشار کتاب مفاتیح‌الارزاق را باید به‌مانند نقطه‌عطفی در حوزه‌ی مطالعات تاریخ روستانشینی و تولید روستایی در ایران به‌شمار آورد

و قرار و قاعده‌ی آبیاری و نقش عنصر آدمی و بالاخص چگونگی اجرای امور تولیدات زراعی باشد، اثری نیست. گویا نویسندگان بدین بخش از علوم ارجی نمی‌نهادند و یا پرداختن به آن را در حد نوشته‌ی علمی خود نمی‌دانستند و متوجه اهمیت آن نبودند و بدین سبب ادبیات مربوط به علوم کشاورزی ما یک‌سره خالی از این مباحث مهم و فقیر از مطالبی از این دست است. تنها نشان دوری از این‌گونه سخنان را در کتاب‌هایی ویرای کتاب‌های کشاورزی، من جمله در متون جغرافیایی و تاریخی و ادبی، جست‌گریخته می‌توان جست و یافت و آن هم بیشتر در باب حکمت و نصیحت و ادب است و تمکین به حقوق تملک و قبول تقدیر و اعتقاد به این که زراعت کاری است الهی» (نوری ۱۳۸۱، ج ۱: سی‌وچهار) اما انتشار کتاب مفاتیح‌الارزاق (تألیف در حدود ۱۲۷۰ هـ. ق) را باید به‌مانند نقطه‌عطفی در حوزه‌ی مطالعات تاریخ روستانشینی و تولید روستایی در ایران به‌شمار آورد. در علت این داوری، کافی است به فهرست موضوعات این کتاب نظری افکنده شود تا مشخص گردد که جامعیت موضوعات مربوط به تولید زراعی و مناسبات روستایی در این کتاب منحصر به فرد و بی‌نظیر است. در این کتاب از علم و فن کشاورزی و امور پیوسته با آن، مانند شناخت هوا و خاک و تقسیم آب تا اصول باغ‌سازی ایرانی و درخت‌کاری و نوع خاک و حتی قواعد دیوانی و تقسیم ارث و موضوعاتی چون خواص و فواید دارویی انواع گیاهان و درختان و بقولات و غلات، نیز چگونگی انجام امور زراعی و اصول ملک‌داری و شناسایی اوقات و زمان و مجموعه باورهای عامه در خصوص دقایق زندگی روستایی و کشاورزی، روش‌های آبیاری و قواعد تقسیم آب و وسایل سنجش آن، طرز تقسیم محصول کشاورزی و تعیین خمس و زکوة آن و توضیح مسائل فقهی در خصوص احتکار و غیره، تا شناسایی انواع جانوران و حشرات موجود در مناطق روستایی و منافع و زیان‌های هر کدام، یا طرز اصلاح بذر و غرس درختان و شناخت کودها و سموم و آفات سماوی و ارضی و چگونگی مقابله با آن‌ها و بسیاری موضوعات نظیر این موارد، سخن به‌میان آمده است.

نگاهی به مجموعه‌ی موضوعات و آگاهی‌هایی که این کتاب در اختیار محققان علاقه‌مند به موضوع قرار می‌دهد، حکایت از آن دارد که مطالب و مسائل مورد بحث در این زمینه، با عنایت به کتاب مفاتیح‌الارزاق، باید بار دیگر مورد واریسی و ارزیابی قرار گیرد.

یک بزرگ‌مالک، در درون فضای روستاها استقرار نداشتند. درواقع، بخش عمده‌ی مالکیت اراضی در ایران در اختیار مالکانی بود که در شهرها اقامت گزیده بودند. این بدان معنی بود که به لایه‌ای میانی به‌عنوان حلقه‌ی واسط برای اداره‌ی املاک و امور مختلف آن نیاز وجود داشت. این حلقه‌ی واسط با عنوان «مباشترین» گاه از روستاییان یا شهریان آگاه به مسائل کشاورزی انتخاب می‌شدند. بدون تردید کسانی که این عنوان را دارا بودند باید در امور فنی کشاورزی و آبیاری، شناخت محیط روستا و سایر دانش‌های لازم برای انجام کار خود صاحب تجربه و اطلاع باشند تا به‌عنوان حلقه‌ی واسط میان مالک، دیوان‌سالار و زارعین، امور تولید و کشت و زرع و مسائل مربوط به آن را سامان دهند.

به شهادت تعداد و تنوع ادبیات مکتوب که در حوزه‌ی مناسبات روستانشینی و تولید روستایی به رشته‌ی تحریر درآمده است، می‌توان چنین گفت که در ایران اطلاعات و آگاهی‌های مربوط به این موضوع بر اساس سنت‌های شفاهی و انتقال طبیعی تجربیات اجتماعی در بین نسل‌های مختلف استوار بود. درواقع، علی‌رغم پیشینه‌ی کهن کشاورزی و روستانشینی در ایران، تعداد آثار مکتوبی که در این خصوص خلق شده است، انگشت‌شمارند. بررسی استاد **ایرج افشار** در پیشینه‌ی متون کشاورزی در زبان فارسی حکایت از آن دارد که پس از «ورزنامه» (حدود دوره‌ی سامانی)، مهم‌ترین آثار در این مورد به دوره‌ی مغولان تعلق دارد که از جمله «آثار و احیاء» قابل ذکر است. پس از آن در اوایل دوره‌ی صفویه، کتاب «ارشادالزراعه»، اثر **قاسم‌بن یوسف** تحریر شد. دیرزمانی پس از آن، رسائل معروف به «علم فلاح» به اهتمام **نجم‌الدوله**، در دوره‌ی قاجاریه تحریر شد (افشار، ۱۳۶۱: ۶۹۱-۶۸۷). با این توصیف، چنان‌چه کلیه‌ی اطلاعات و آگاهی‌هایی را که در مورد مسائل کشاورزی در منابع و مأخذ مختلف تاریخ ایران وجود دارد و توسط استاد افشار شناسانده شده‌اند، جمع‌آوری کنیم، باز در حد و اندازه‌ی اهمیت مناسبات روستانشینی و تولید زراعی در تاریخ ایران، شکاف و فاصله‌ی بسیار وجود خواهد داشت. زیرا «تقریباً در تمامی کتاب‌ها و رسالاتی که درباب علم و فن کشاورزی در این سرزمین نوشته شده و یا به زبان فارسی برای استفاده اهل فن برگردانده شده است، تا قریب به نیم قرن پیش، همگی در ذکر و توصیف انواع نباتات و عالم گیاهی و آن‌چه مربوط به علم و پیشینه‌ی زراعت است، می‌بود و در هیچ‌یک از آن‌ها مطالبی که مربوط به امور اجتماعی و اقتصادی و قرارمدرها در کشت و کار



در ادامه، بررسی اجمالی این اثر ارزشمند در اختیار علاقه‌مندان به موضوعات مربوط به تاریخ روستا و روستانشینی در ایران قرار می‌دهیم و قدردانی خود را نسبت به اهمیت کار استاد هوشنگ ساعدلو، در تصحیح و انتشار این مجموعه‌ی سترگ ابراز می‌داریم.

درباره‌ی مؤلف

محمدیوسف نوری، که خود را «نوری الاصل شیرازی‌المسکن» معرفی می‌کند (ج ۱، ص ۲) از جمله دیوان‌سالاران حکومت قاجاریه بوده است. وی در دوره‌ی حکومت شاهزاده فرهادمیرزا معتمدالدوله در فارس (حدود ۱۲۹۸ - ۱۲۰۳ ق)، در شمار مستوفیان دیوان استیفا خدمت می‌کرد. به نظر می‌رسد وی به خاندان‌های مازندرانی‌ای که برای خدمات دیوانی به فارس مهاجرت کرده بودند، تعلق داشت (ج ۱، ص سی‌ویک). از احوالات نوری آگاهی‌های درخوری نداریم. با جست‌وجوی زیاد می‌توان اشارات اندک و پراکنده‌ای را به خصوصیات شخصیتی و علمی نوری، در خلال مطالب کتابش یافت. از جمله در حدیقه‌الشعراء، که وی را چنین معرفی می‌کند: «اسمش میرزایوسف و اصلش نوری است و ولادتش در شیراز... مردی باسواد و خط و کمال بود. هم از انشاء بهره داشته، هم از حساب و استیفاء. و چون اوایل حال خودش قدری ملک داشت

تأمل در احوال این شخص توضیح دیگری بر کشاکش‌های درونی «اصحاب حکومت» در خصوص خدمت‌گزاری یا دوری از مناسبات قدرت در تاریخ ایران به دست می‌دهد

و بعد بعضی املاک اعیان به او سپرده شد، لابد در امور زراعت دقتی و اهتمامی کرده تا در علم فلاح و بازدید متعلقات این امر مسلط شده، به آنجا رسید که در این‌گونه موارد تصدیق او را بر سایر زارعین و مصدقین مقدم می‌دانستند. از جانب حاجی معتمدالدوله، «شیخ‌المصدقین» لقب یافت و از روی انصاف امین و متدین بود.

بدون ملاحظه و جانب‌داری، از روی تحقیق، تصدیق می‌کرد و در علم فلاح هم کتابی مفصل نوشته است. ندیده‌ام. ولیکن از اهلش تعریفش را شنیده‌ام. احوال و اخلاق او هم خوب بوده. شعر می‌گفته است... در هزاروسیصدودو رحلت کرد...» (ج ۱، بیست‌ونه و سی).

روند تجاری شدن کشاورزی ایران و پیامدهای آن در مناسبات روستایی ایران نیز دگرگونی‌هایی در این عرصه به وجود آورده بود

اگرچه باید آشنایی‌های پیشین نوری را با دنیای کشاورزی و روستاها، که از منظر دیوان‌سالاری درگیر با اوضاع مالی و اقتصادی کشاورزی حاصل شده بود، در این گرایش متأخر وی مؤثر دانست؛ به گونه‌ای که آن تجربه سبب شده بود که وی املاک خود را شخصاً رسیدگی کند و حتی «بعضی املاک اعیان» به وی سپرده شود (مفاتیح‌الارزاق، ج ۱، بیست‌ونهم). در هر حال، نوری به‌مانند قاسم‌بن یوسف، که جزو خدمه‌ی زاویه‌ی خواجه عبدالله انصاری، به کار «اداره‌ی فعالیت‌های زراعی» آن مجموعه اشتغال داشت (سابتلنی ۲۰۸:۱۳۷۸) و علایق خود را به کشاورزی و زراعت در قالب «ارشاد‌الزراعه» ارائه کرد، از مسیر خدمات دیوانی به دنیای کشاورزی عبور کرد.

دلایل تحریر مفاتیح‌الارزاق

محمدیوسف نوری در شرح انگیزه‌ی خود برای تحریر این کتاب چنین گوید: «... چون قاعده‌ی کلیه در این فن در دست نبود، از خداوند اعانت و استمداد طلب نمود که در این فن شریف، قانونی لطیف به عبارات نظیف قرار دهد و بنیانی استوار نماید که نقاب از چهره‌ی شواهد مشکلات این فن بی کلفت و قلق واسطه مرتفع گردد» (نوری ۱۳۸۱: ۴).

با عنایت به این که مؤلف از کتب پیشینیان در این خصوص آگاهی داشته است (همان، ۱: چهل‌ودو - چهل‌ونهم) می‌توان منظور او را از نبود کتابی مرجع در موضوع کشت و زرع و باغ‌داری و امور مختلف مربوط به آن، چنین تعبیر کرد که در دوره‌ی قاجاریه کتاب مرجع و جامعی که برطرف‌کننده‌ی نیازهای چنین افرادی باشد، در دسترس نبوده است و کتبی نیز که در ادوار قبل در این موضوع نوشته شده بود، دیگر پاسخ‌گوی مسائل و مشکلات و موضوعات جدید نبود.

درواقع روند آشنایی ایرانیان با تحولاتی در زمینه‌ی اصلاح نباتات و زراعت، شیوه‌های نوین استخراج آب، ورود محصولات و رستنی‌های جدید و نظایر این‌ها، در دوره‌ی قاجاریه و در اثر آشنایی با دیگر کشورها باعث شده بود که آموزش روش‌ها و دانش‌های نوین کشاورزی و علوم وابسته به آن، به یک ضرورت تبدیل شود. این نیاز در دوره‌ی پیش‌تر، توسط محمدتقی خان امیرکبیر تشخیص داده شده بود و از این‌رو، سیاست‌های اصلاحات کشاورزی در دوره‌ی وی دنبال می‌شد. از جمله ورود پاره‌ای از محصولات فرنگ و رواج کشت آن در ایران، مانند بامیه،

محمدیوسف نوری، پس از دست کشیدن از امور دیوانی و دنیوی به دنیای روستا پناه برد. بدون تردید، تغییرات سیاسی و اجتماعی زمانه و حتی تحولات روحی نوری در گزیدن انزوا و دوری از «ارباب بی‌مروت دنیا» تأثیر بسیار داشته است. زیرا در ابتدای کتاب از گناهان گذشته استغفار کرده و از ارباب قدرت دوری می‌جوید. وی این سیر را چنین بیان می‌کند:

«اما بعد چنین گوید: بنده‌ی ذلیل، محتاج اقل الحاج محمدیوسف نوری الاصل... و غفر ذنوبه و ستر عیوبه، که از بدو حال به قیل و قال علوم ادب و رسوم عرب پرداخته، بعد، تحریرات دیوانی را مایه‌ی معیشت ساخته، گاهی در دفتر حساب چون مدّ بدن نشسته، از حشو و بارز خیالات فاسد گذشته، فرمایشات سرکار دیوان عظام را گوشواره‌ی گوش خود نموده، ولی به‌قدر امکان در منها و باقی مردمان جست‌وجو نموده، مفرده‌ی زبان را به توهم من‌ذالک، و حرف خرج روز حساب نگاه داشته، در نامه‌ی عمل خود به خاطر خود، الاضاغه و بُراد و تضعیف را مضاعف نداشته؛ زیرا که در عرض حساب جملتان و یکون و بحسب اعمال حتی مقال محسوب است. مبدا خط نسخی، بر نامه‌ی اعمال ناقابل کشیده، ندای «خُدُوهُ فِغْلُوهُ»، شنیده شود... چون حدیث «اِخْتِثَ النَّاسُ مِنْ اَحَدٍ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ يُعْطَى بِغَيْرِ مَسْتَحَقِّ» را شنیده و «شَرَّ النَّاسِ مَنْ بَاغَ اَخْرَجَهُ بَدْنِيَاهُ، وَ اَشْرُّ مِنْهُ مَنْ بَاغَ اَخْرَجَهُ بَدْنِيَا غَيْرِهِ» را دیده. عرق انفعال بر جبین و سر خجالت بر زمین است. به ذنوب گذشته‌ام اقرار و به اجرام سابقه معترف و نادم و شرمسارم. کنون در مقام معذرت و استغفار برآمده، به لطف و اعانت واهب نعمت و دهنده‌ی بی‌منت متوسل شده، به زراعت که شیوه‌ی انبیاء مرسلین و پیشه‌ی متوکلین است، پرداخته... متحملین این پیشه و متکلفین این شیوه، چشم آمال را به دست عطای حضرت ذوالجلال دارند، مزرع امیدشان از ترشح ابر رحمت الهی اخضر و در هر باب به اعانت او مستحضرند. تحصیل جو و کاه را بهتر از جاه و جلال می‌دانند...» (مفاتیح‌الارزاق، ج ۱، ص ۴-۳).

تأمل در احوال این شخص توضیح دیگری بر کشاکش‌های درونی «اصحاب حکومت» در خصوص خدمت‌گزاری یا دوری از مناسبات قدرت در تاریخ ایران به دست می‌دهد. در هر حال، نزاعی که میان تمایلات آزادی‌خواهانه‌ی شخص در برابر هژمونی مناسبات سلطه در جامعه‌ی ایرانی وجود داشت، سبب‌ساز بروز چنین باوره‌های سیاسی - اجتماعی و عقیدتی نزد «عمله‌ی حکومت» می‌شد و تلقی از آنان را به‌مانند «عمله‌ی ظلم» ترویج می‌کرد.

روش مؤلف در سامان‌دهی مطالب کتاب، براساس الگوی قدماست. در این روش، کل مطالب کتاب در بخش‌های مشخص ساماندهی شده و بنابه ذوق و سلیقه‌ی مؤلف با تعابیر حدیقه، خوان، مزرعه، قریه و نظایر این‌ها نام‌گذاری شده است

آن با کتب پایه‌ی کشاورزی تدوین‌شده در ادوار سابق، امکان مقایسه‌ی این کتاب را با متنی چون ارشادالزراره ممکن می‌کند. قاسم‌بن یوسف نیز دیوان‌سالاری از مؤسسه‌ی فرهنگی - دینی بقعه‌ی خواجه عبدالله انصاری بود که با علوم و مهارت‌های خاص دیوان‌سالاران در حوزه‌ی مدیریت امور زراعی و روستایی املاک وابسته به بقعه، مشغول بود. رونق امور کشت و زرع در مجموعه‌های کشاورزی بقعه باعث جلب توجه نیروهای تازه‌نفس به حوزه‌ی مدیریت و اداره‌ی آن تشکیلات شد و در نتیجه، نیاز به کتابچه‌هایی که به‌مانند دستورالمعمل کارآمدی یاریگر آنان در انجام وظائف مربوط باشد، به تدوین ارشادالزراره انجامید.

قاسم‌بن یوسف در این خصوص انگیزه‌های خود را چنین بیان می‌کند: «... تا هرکس در زراعت و حراثت و باغبانی و رزداری و سایر مهمات دهقانی به بلوکات هرات و ولایات نواحی شروع نماید، بر قواعد آن اطلاع یافته... و او را در این امور مشکلی نباشد» (قاسم‌بن یوسف، ۱۴: ۵۰). دوره‌ی موردنظر (پایان قرن نهم هجری) با رشد جمعیت شهری، به‌ویژه در هرات مقارن بود و افزایش نیاز به مازاد محصولات کشاورزی داشت که تنها از طریق افزایش استخراج آب‌های زیرزمینی و توسعه‌ی اراضی زیر کشت، احیای اراضی موات و رشد دانش کشاورزی امکان‌پذیر بود. از این‌رو، ساختار کتاب ارشادالزراره به گونه‌ی «... کشاورزی فشرده که غالباً در قطعه زمین‌های نسبتاً کوچک آبی و معمولاً محصور (موسوم به باغ...) در دورتادور شهر انجام می‌گرفت» اختصاص دارد. عمده مطالب کتاب نیز به کشت میوه‌های باغی، انگور، گل‌ها و گیاهان دارویی و سبزی‌های باغی و شیوه‌ی طراحی و احداث چهارباغ‌ها مربوط است (سابتلی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). چون این نوع کشت متراکم و آبی بسیار آسیب‌پذیر و به‌شدت وابسته به نظام آبیاری منظم و مدبرانه بود و به سرمایه و نیروی کار ماهر در روش‌های کشاورزی و هم در ساخت و نگهداری ابزار کشاورزی نیازمند بود، موفقیت آن به دو عامل بستگی داشت: مدیریت نظارتی در سطح پیشرفته و ثبات سیاسی (همان: ۲۱۹). به نظر قاسم‌بن یوسف، کشاورزی و ثبات سیاسی به یکدیگر وابستگی متقابل دارند. ایده‌ای که در نزد خلف وی، محمدیوسف نوری نیز در شکل رقیق‌تری دیده می‌شود و تقدیم مفاتیح‌الارزاق به ناصرالدین شاه، که از وی با القاب عدالت و انصاف‌مدار یاد می‌کند، به صورت ضمنی اشاره به این موضوع دارد (یوسف نوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵). درنهایت آن که مفاتیح‌الارزاق نیز، به‌مانند

توت‌فرنگی، سیب‌زمینی، توتون، آناناس، تخم‌پنبه‌ی آمریکایی و نظایر این‌ها (نوری ۱۳۸۲، ۲: سی‌وهفت - سی‌وهشت). در این دوره قابل ذکر است. مرسوم شدن روال‌های جدید ممیزی و محاسبات مالیات‌ها (همان، ج ۲: چهل‌ودو - چهل‌وچهار) و حفر چاه‌های آرتزین (همان، چهل‌وشش) نیز در همین راستا بود.

محمدیوسف نوری، به‌عنوان کسی که تجربیات غنی بخش اجرایی و دیوانی زمانه‌ی خود را در اختیار داشت و از تغییرات و تحولات روی‌داده در مناسبات ارضی مطلع بود و هم‌چنین با شیوه‌های سنتی و نوین کشت و داشت و برداشت نیز آشنا بود، تصمیم به تهیه‌ی متنی پایه و آموزشی در این خصوص گرفت. مرور مطالب و ساختار کتاب مفاتیح‌الارزاق حکایت از آن دارد که سعی مؤلف بر آن بوده است تا با ترسیم تصاویری از درختان، گیاهان، میوه‌ها و حتی مجالس و صحنه‌ی فعالیت کشاورزی، متنی آموزشی برای تعلیم مطالب موردنظر خود به دیگران فراهم آورد. هم‌چنین تلاش درخور وی در تفسیر دینی و اعتقادی از اعمال و شیوه‌های کشاورزی و فعالیت‌های وابسته‌ی آن نیز در تقدیس و بازسازی موقعیت ارجمند کشاورزی در دوره‌ی خود، جهت‌گیری داشته است.

اگرچه نباید از نظر دور داشت که روند تجاری شدن کشاورزی ایران و پیامدهای آن در مناسبات روستایی ایران نیز دگرگونی‌هایی در این عرصه به وجود آورده بود که به‌ناگزیر برای تجدید اوضاع نابسامان آن تلاش‌هایی چنین ضرورت می‌یافت. زیرا به‌دلیل نیازهای روزافزون ملاکان به افزایش درآمد خود و بروز نوسان‌های اقتصادی، اصلاح شیوه‌های بهره‌برداری از روستاها را به یک نیاز تبدیل کرده بود. هم‌چنین تغییراتی که در این دوره، در گروه‌بندی ملاکین زمین روی داده بود؛ باعث می‌شد گروه‌های جدید که به خریداری املاک کشاورزی و روستاها از ملاکان ورشکسته راغب شده بودند، برای نگاه‌داری و اداره و بهره‌بری از روستاهای خود به مباشرانی کارآمد و توانا نیازمند شوند. درواقع، به‌دلایل مختلف نیاز به کتابی که در حکم راهنمای عملی در اداره‌ی روستا و شیوه‌ی مدیریت زراعی و مسائل پیرامونی و مرتبط با آن باشد زمینه‌ساز پدید آمدن مفاتیح‌الارزاق بود. این کتاب به‌گونه‌ای نوشته شده است که حتی فردی را بدون سابقه‌ی خانوادگی مباشرت و اداره‌ی مجتمع‌های روستایی، نیز برای تصدی چنین کاری آموزش می‌داد و نیازهای اصلی وی را در این راستا برطرف می‌کرد.

مطالعه‌ی کتاب مفاتیح‌الارزاق و شباهت‌های برخی قسمت‌های



دارد که در کل، تعداد صفحات این نسخه بالغ بر ۵۴۱ می‌شود (نوری، همان).

افزون بر نسخه‌ی مزبور، یک نسخه‌ی خطی کم‌حجم از این کتاب (حدود ۶۰ برگ) در کتابخانه‌ی بریتانیا وجود دارد که مطالب آن گزیده‌ای از مطالب سه جلد نسخه‌ی اصلی بوده و فاقد تصاویر آن نیز هست. میکروفیلمی از آن در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران موجود است (شماره‌ی ۵۸۵۶).

تاکنون برخی تلاش‌ها برای بازخوانی و تصحیح و انتشار این اثر صورت گرفته است. از جمله اول‌بار، در دهه‌ی ۱۳۵۰، رسول دریگشت، به درخواست بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به استنساخ آن اشتغال یافت و جلد اول را نیز برای چاپ آماده کرد (افشار، ۱۳۶۱: ۶۹۳). اما آن کار به هر دلیل، منتشر نشد و ادامه‌ی کار نیز متوقف ماند. تا این که با پشتکار محقق ارجمند هوشنگ ساعدلو به زیور طبع درآمد.

ساختار کتاب

کتاب مفاتیح‌الارزاق، در سه مجلد و حدود ۲۸۰۰ صفحه در اختیار علاقه‌مندان است. ساختار این کتاب از نظم ویژه‌ای که مؤلف برای آن در نظر گرفته است، پیروی می‌کند. این نظم از روال گردش کار و مراحل اصلی کشت‌وکار کشاورزی الگوبرداری شده است. یعنی بحث از آمادگی کشاورز و آماده کردن شرایط برای

روش بسیار دقیق مؤلف در رعایت نظم در نوشتار، خود باعث شده است که بحث او در مورد هر موضوع در قالب مشخصی ارائه شود و از پراکندگی و تشتت در موضوع‌بندی و تقسیم‌بندی مضامین بحث دور باشد

ارشادالزراعه برای آموزش و هدایت مدیران امور زراعی جدید که قصد داشتند در شرایط زمانه کشاورزی را احیا کنند، تدوین شده بود.

منشأ نسخه

نسخه‌ی سه‌جلدی منحصر به فرد کتاب مفاتیح‌الارزاق، در ابتدا در اختیار رضا هنری - از قضات دادگستری و نویسنده‌ی روزنامه‌ی شفق سرخ - بود که با معرفی علی دشتی به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران فروخته شد و هم‌اکنون سه جلد آن با شماره‌های ۹۹۱۴ و ۹۹۱۵ و ۹۹۱۵ در مخزن نسخ خطی آن کتابخانه نگه‌داری می‌شود (نوری، ۱۳۸۱، ج ۱: بیست‌وهفت). جلد اول این نسخه شامل ۲۱۵ برگ، جلد دوم ۱۷۶ برگ و جلد سوم ۱۵۰ برگ

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مجلد سوم مطالبی است که با عنوان «صرف خرج در ممیزی جمع‌بندی و جمع‌پردازی و تعدیل»

از ماه‌های عرب، به‌ویژه معرفت ایام هفته و اعمال و عبادات آن روز. این توضیحات شامل اطلاعاتی در مورد تاریخ فرس و اعیاد آن چون نوروز و مهرگان و بهمن‌جه و سده و نظایر این‌هاست. ذکر طالع بروج و احکام آن‌ها و معرفت افلاک و کواکب و نیک و بد آن‌ها نیز به عنوان دانش‌های موردنیاز برای زراعت مورد بحث قرار می‌گیرد. اشارات مؤلف درباب اسباب و آداب دعا و شرایط اجابت آن در ادامه‌ی این مطلب آمده است. مجموعه ادعیه‌ای که برای رفع ضرر سلاطین یا رفع وبا و قحط و غارت و طاعون جمع‌آوری شده است، نیز قابل توجه است (۲۲۹-۳۷)؛

- آداب سفر کردن (۲۴۰ - ۲۳۲)؛

- آب. این مبحث در شناخت ماهیت و صفات آب، منافع و مضار آن برای انسان، ترکیبات آب، تعبیر آب در خواب، باران و چگونگی بارش آن، نماز استسقا، تشکیل رودها و چشمه‌ها، آب زمزم و دیگر رودهای معروف، آب دریا، قنوات و ویژگی‌های آب آن‌ها و چگونگی حفر آن‌ها و تقسیم سهم آب در قنات (۳۳۴ - ۲۴۱) است؛

- در شناخت آب و هوا (۳۴۵ - ۳۳۴)؛

- در شناخت زمین که مباحثی به این شرح را در برمی‌گیرد: در احیای زمین، طبیعت زمین و خواص آن، انواع زمین جهت کشت، روایات و باورها در مورد زمین، انواع کودها و خواص آن‌ها، شیوه‌ی شخم زدن زمین، در شناخت مزروع که سبب مرغوبی زمین می‌شود (۳۷۸ - ۳۴۵).

اما بخش دوم مبحث زرع به «تخوم» یا شناسایی بذرها اختصاص دارد. بخش‌های این بحث با نام قریه مشخص شده‌اند. در این بحث آداب زرع و منشأ این عمل در آغاز خلقت مورد اشاره قرار گرفته و سپس قاعده‌ی مزارعه و قانون تقسیم محصول بین مالک و زارع و میان شرکای دیوان و مالک و زارع بررسی شده است. بحث مؤلف در «حق السلطان» از محصول حاوی مطالبی جالب در این خصوص است. روش‌های تقسیم زمین و اختصاص بذر به هر قطعه زمین و شیوه‌ی تخم‌پاشی و احکام آن، شرح روش کربندی زمین و آماده‌سازی آن است (۴۲۳ - ۳۸۲). پس از آن به شرح انواع بذرهایی که باید در تابستان کشت شوند و گونه‌های بذر پاییز پرداخته است. روش‌های کشت، خواص و منافع و مضار هر محصول و مباحثی نظیر این‌ها بررسی شده است. مبحث گندم و نان و طرح بسیاری مطالب در این رابطه به نظر از جمله مفصل‌ترین آگاهی‌هایی است که تاکنون در این موضوع در دست

کشت تا مراحل مختلف «داشت» محصول و سپس، مرحله‌ی «برداشت» و مسائل مربوط به آن را شامل می‌شود.

روش مؤلف در سامان‌دهی مطالب کتاب، براساس الگوی قدماست. در این روش، کل مطالب کتاب در بخش‌های مشخص ساماندهی شده و بنابه ذوق و سلیقه‌ی مؤلف با تعابیر حدیقه، خوان، مزرعه، قریه و نظایر این‌ها نام‌گذاری شده است.

جلد اول کتاب مفاتیح‌الارزاق، شامل ۹۰۰ صفحه، به‌اضافه‌ی یک‌صدوچهل‌وهفت صفحه مقدمه به‌قلم مصحح است. اجزای اصلی مطالب این جلد، پیرامون طرح و بررسی چگونگی آماده کردن شرایط برای کشت محصول، به‌عنوان اولین مرحله در تولید زراعی است، که شیوه‌ی بیان مطلب توسط مؤلف، باعث شده است تمامی مسائل اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی که در این رابطه وجود دارد، به‌تمامی مطرح شود.

مؤلف مطالب خود را با ستایش پروردگار و رسول وی و شکر نعمت‌ها آغاز کرده و از آفرینش طبیعت و مسائل آن سخن به میان می‌آورد. سپس، اولین قسمت بحث را به موضوع «زرع» اختصاص می‌دهد که شامل دو مبحث است: اول ذکر اقوال علما و حکما در مورد اشجار و نبات (۲۴ - ۲۰) که بررسی ماهیت درختان و گیاهان است. دوم (نه بحث درخصوص چیزهایی که آگاهی بر آن‌ها، قبل از اقدام به زرع لازم است. این نه مقوله عبارتند از:

- تولیدمثل گیاهان و درختان؛

- در فایده‌ی زراعت کردن، که بنای آن بر حدیث دنیا مزرعه‌ی آخرت است، قرار دارد (۲۷ - ۲۵)؛

- در مدح خرید و خانه و باغ و مذمت فروش آن‌ها (۲۸). ولی در این بخش با ذکر این حدیث از امام جعفر صادق (ع) برتری کشاورزی بر هر فعالیت دیگر را نشان می‌دهد: «... در بازارها بسیار مگرد، امور باریک خود را مباحثه مشو... مگر سه چیز که سزاوار است برای مسلمان صاحب دین و مروت که مباشر بشود: یکی خریدن زمین، دیگر خریدن غلام و کنیز، دیگر خریدن شتر.» (نوری، ۱۳۸۱، ج: ۱، ۲۹)؛

- در مذمت معصیت غضب و احکام متفرعه بر آن (۳۱ - ۳۰)؛

- در فضیلت و استحباب زراعت کردن (۳۷ - ۳۱)؛

- در احکام نجوم که شامل معرفت در تواریح، شهور عرب، تاریخ عرب و احکام و اعمال مربوط به رؤیت هلال و ذکر حوادث معروف که در هر روز از ماه مزبور رخ داده است، و ذکر نمازهای هریک

نباید زحمت و مرارت خواندن چنین متون فنی و تخصصی را که تنها دانش مصحح آن کتاب، راه‌گشای به سرانجام رسیدن تصحیح آن بوده است، نادیده انگاشت

است. بررسی شیوه‌ی کشت انواع صیفی‌جات و بقولات به روش آبی و دیمی، که توأم با خواص دارویی و شیوه‌ی نگهداری و رسیدگی هریک از آنهاست، مجموعه‌ای از اطلاعات ارزشمند در این زمینه را در اختیار قرار داده است. شاید بحث تنباکو و قلیان این بخش جالب‌ترین موضوع از نظر تاریخ اجتماعی ایران باشد که مؤلف با دقت جوانب مباحث آن را واریسی کرده است و بحثی در خصوص مذمت قلیان و تدخین تنباکو دارد (۵۸۲-۵۵۳).

مطالب مؤلف شامل بررسی مفصلی از هریک از صیفی‌جات و بقولات قابل کشت در ایران است که با ترسیم تصاویری از انواع مورد بحث تزیین یافته است. ذکر اشعار و حکایات مفصل درباب محصول و بذر مورد بحث که بنابه ذوق و سلیقه‌ی مؤلف صورت می‌گیرد، بر لطافت و حسن بیان و جذابیت مطالعه‌ی چنین کتاب فنی‌ای می‌افزاید. هم‌چنین روش بسیار دقیق مؤلف در رعایت نظم در نوشتار، خود باعث شده است که بحث او در مورد هر موضوع در قالب مشخصی ارائه شود و از پراکندگی و تشتت در موضوع بندی و تقسیم‌بندی مضامین بحث دور باشد.

مطالب مؤلف شامل مفردده‌ی دوم (فصل دوم) است که مبحث غرس اشجار را دربر دارد. بحث غرس در دو قسمت کلی سامان یافته است. قسمت اول: «در مقدمات غرس»، که خود دربردارنده‌ی هفت «ضابطه» (اصل) است. این ضوابط شامل موارد زیر است: توصیه به غرس، ذم قطع درخت میوه (ج ۲: ۹)، شرح قرارداد مسابقات و قرار میان مالک و غارس (ص ۱۳ - ۹)، تربیت نهال (۱۶ - ۱۴)، شیوه‌ی غرس کردن (۲۴ - ۱۹) و قواعد پیوند اشجار (۵۰ - ۲۵). شیوه‌ی طراحی بستان‌ها در دو بحث آمده است: تعریف باغ و پرورش «ازهار و ریاحین»، که شرح و تفصیل ماهیت درختان و گل و گیاهان و طعم آن‌ها و موارد استفاده و خواص دارویی و طبخه‌ی کشت و زرع و نگاه‌داری هریک از انواع مورد بحث مانند ارغوان، بیدمشک، حنا، زعفران، زنبق و نظایر این گل‌ها و گیاهان و شرح طرز چین آن‌هاست. لطف بیان مؤلف و ذکر شماری اشعار و لطایف درباره‌ی مواردی از گل‌ها و گیاهان به عربی و فارسی بر ارزش ادبی این مجموعه می‌افزاید (۳۱۹ - ۵۰).

بخش بعد به حقیقه‌ی دوم از بحث غرس و طراحی بستان و باغ، که غرس درختان است، مربوط می‌شود. این بحث خود در دو «قطعه» سامان یافته است. قطعه‌ی اول در شیوه‌ی غرس اشجار بارده (مشره) با تذکر آیات و احادیث و اشعار مرتبط آغاز (۳۲۲ - ۳۲۱) و به معرفی انواع درختان میوه‌دار می‌رسد. در معرفی هر درخت، ابتدا معنای لغوی و نام درخت میوه، شرح ماهیت و رنگ میوه، احادیث و روایات و اشعار مربوط به درخت و میوه‌ی آن و سپس، ذکر خواص و منافع طبی و شیوه‌ی غرس و پرورش و نگهداری هریک از آن موارد می‌پردازد (۶۹۹ - ۳۲۹). اسامی درختان و میوه‌های مورد بحث به ترتیب حروف الفبا ذکر شده است. این بخش کتاب، به‌واقع دائرةالمعارفی ارزشمند از اطلاعات مربوط به هریک از میوه‌های بومی این سرزمین است. بخش دوم کتاب که شامل قطعه‌ی دوم از حقیقه‌ی دوم است، به غرس و نگاه‌داری و خواص و منافع و اطلاعات مربوط به درختان غیرمثمره، مانند اسفیدار، اهر (زبان گنجشک)، بید و نظایر این‌ها اختصاص دارد (۷۴۸ - ۷۰۰). در شیوه‌ی توضیح هریک از درختان مورد نظر، بنابه روال بخش قبلی مطالب ارائه شده است. روش مؤلف در ترسیم شکل هریک از درختان مورد بحث، که با تلاش مصحح محترم، به طرز زیبا در کتاب ارائه شده است، بر دقت و کاربرد مطالب کتاب افزوده است.

جلد سوم کتاب مفاتیح‌الارزاق، با ۸۳۵ صفحه، به روال مجلدات قبلی به مرحله‌ای مشخص از مراحل چندگانه‌ی کشت و زرع پرداخته است. موضوعات این مجلد، به‌طور کلی شامل بحث‌هایی درمورد برداشت محصول و مسائل مختلف آن و چگونگی تسویه حساب‌های عوامل مختلف دست‌اندرکار تولید و پرداخت حق‌الزحمه‌های نیروهای مختلف و درنهایت شیوه‌ی حفاظت محصولات به‌دست‌آمده در انبارهای مختلف و شناسایی انواع حیوانات و حشرات زیان‌رسان به محصولات مزبور است. اجزای اصلی این کتاب، به شرح زیر سامان یافته است:

شرح عملیات درو و اوقات انجام آن (۳ - ۱)؛ شرح عملیات خرمن کردن محصول که شامل تعیین موضع خرمن، کوبیدن آن با چارپایان مختلف، پاک کردن خرمن و چگونگی حفاظت آن از دست‌درازی رعایا و دزدان است (۱۵ - ۵)؛ معرفی انواع اوزان و مقادیر که برای توزیع محصول به‌دست‌آمده لازم است و شامل انواع کیل، ترازو و قیان می‌شود و اشاره به شیوه‌ی «کشیدن به کشتی» برای محصولاتی که نتوان آن‌ها را وزن کرد، نیز خود حکایت جالبی است (۲۱ - ۱۹).

پس از برداشت محصول باید زکوة آن پرداخت شود. این بحث در دو قسمت (دفعه) شامل مسائل اداره‌ی زکوة مال و وجوب آن و نیز نصاب زکوة در غلات، طلا و نقره، شتر، گاو و گوسفند مطرح

است. بررسی شیوه‌ی کشت انواع صیفی‌جات و بقولات به روش آبی و دیمی، که توأم با خواص دارویی و شیوه‌ی نگهداری و رسیدگی هریک از آنهاست، مجموعه‌ای از اطلاعات ارزشمند در این زمینه را در اختیار قرار داده است. شاید بحث تنباکو و قلیان این بخش جالب‌ترین موضوع از نظر تاریخ اجتماعی ایران باشد که مؤلف با دقت جوانب مباحث آن را واریسی کرده است و بحثی در خصوص مذمت قلیان و تدخین تنباکو دارد (۵۸۲-۵۵۳).

مطالب مؤلف شامل بررسی مفصلی از هریک از صیفی‌جات و بقولات قابل کشت در ایران است که با ترسیم تصاویری از انواع مورد بحث تزیین یافته است. ذکر اشعار و حکایات مفصل درباب محصول و بذر مورد بحث که بنابه ذوق و سلیقه‌ی مؤلف صورت می‌گیرد، بر لطافت و حسن بیان و جذابیت مطالعه‌ی چنین کتاب فنی‌ای می‌افزاید. هم‌چنین روش بسیار دقیق مؤلف در رعایت نظم در نوشتار، خود باعث شده است که بحث او در مورد هر موضوع در قالب مشخصی ارائه شود و از پراکندگی و تشتت در موضوع بندی و تقسیم‌بندی مضامین بحث دور باشد.

مطالب مؤلف شامل مفردده‌ی دوم (فصل دوم) است که مبحث غرس اشجار را دربر دارد. بحث غرس در دو قسمت کلی سامان یافته است. قسمت اول: «در مقدمات غرس»، که خود دربردارنده‌ی هفت «ضابطه» (اصل) است. این ضوابط شامل موارد زیر است: توصیه به غرس، ذم قطع درخت میوه (ج ۲: ۹)، شرح قرارداد مسابقات و قرار میان مالک و غارس (ص ۱۳ - ۹)، تربیت نهال (۱۶ - ۱۴)، شیوه‌ی غرس کردن (۲۴ - ۱۹) و قواعد پیوند اشجار (۵۰ - ۲۵). شیوه‌ی طراحی بستان‌ها در دو بحث آمده است: تعریف باغ و پرورش «ازهار و ریاحین»، که شرح و تفصیل ماهیت درختان و گل و گیاهان و طعم آن‌ها و موارد استفاده و خواص دارویی و طبخه‌ی کشت و زرع و نگاه‌داری هریک از انواع مورد بحث مانند ارغوان، بیدمشک، حنا، زعفران، زنبق و نظایر این گل‌ها و گیاهان و شرح طرز چین آن‌هاست. لطف بیان مؤلف و ذکر شماری اشعار و لطایف درباره‌ی مواردی از گل‌ها و گیاهان به عربی و فارسی بر ارزش ادبی این مجموعه می‌افزاید (۳۱۹ - ۵۰).

بخش بعد به حقیقه‌ی دوم از بحث غرس و طراحی بستان و باغ، که غرس درختان است، مربوط می‌شود. این بحث خود در دو «قطعه» سامان یافته است. قطعه‌ی اول در شیوه‌ی غرس اشجار بارده (مشره) با تذکر آیات و احادیث و اشعار مرتبط آغاز (۳۲۲ - ۳۲۱) و به معرفی انواع درختان میوه‌دار می‌رسد. در معرفی هر درخت، ابتدا معنای لغوی و نام درخت میوه، شرح ماهیت و رنگ میوه، احادیث و روایات و اشعار مربوط به درخت و میوه‌ی آن و سپس، ذکر خواص و منافع طبی و شیوه‌ی غرس و پرورش و نگهداری هریک از آن موارد می‌پردازد (۶۹۹ - ۳۲۹). اسامی درختان و میوه‌های مورد بحث به ترتیب حروف الفبا ذکر شده است. این بخش کتاب، به‌واقع دائرةالمعارفی ارزشمند از اطلاعات مربوط به هریک از میوه‌های بومی این سرزمین است. بخش دوم کتاب که شامل قطعه‌ی دوم از حقیقه‌ی دوم است، به غرس و نگاه‌داری و خواص و منافع و اطلاعات مربوط به درختان غیرمثمره، مانند اسفیدار، اهر (زبان گنجشک)، بید و نظایر این‌ها اختصاص دارد (۷۴۸ - ۷۰۰). در شیوه‌ی توضیح هریک از درختان مورد نظر، بنابه روال بخش قبلی مطالب ارائه شده است. روش مؤلف در ترسیم شکل هریک از درختان مورد بحث، که با تلاش مصحح محترم، به طرز زیبا در کتاب ارائه شده است، بر دقت و کاربرد مطالب کتاب افزوده است.

جلد سوم کتاب مفاتیح‌الارزاق، با ۸۳۵ صفحه، به روال مجلدات قبلی به مرحله‌ای مشخص از مراحل چندگانه‌ی کشت و زرع پرداخته است. موضوعات این مجلد، به‌طور کلی شامل بحث‌هایی درمورد برداشت محصول و مسائل مختلف آن و چگونگی تسویه حساب‌های عوامل مختلف دست‌اندرکار تولید و پرداخت حق‌الزحمه‌های نیروهای مختلف و درنهایت شیوه‌ی حفاظت محصولات به‌دست‌آمده در انبارهای مختلف و شناسایی انواع حیوانات و حشرات زیان‌رسان به محصولات مزبور است. اجزای اصلی این کتاب، به شرح زیر سامان یافته است:

شرح عملیات درو و اوقات انجام آن (۳ - ۱)؛ شرح عملیات خرمن کردن محصول که شامل تعیین موضع خرمن، کوبیدن آن با چارپایان مختلف، پاک کردن خرمن و چگونگی حفاظت آن از دست‌درازی رعایا و دزدان است (۱۵ - ۵)؛ معرفی انواع اوزان و مقادیر که برای توزیع محصول به‌دست‌آمده لازم است و شامل انواع کیل، ترازو و قیان می‌شود و اشاره به شیوه‌ی «کشیدن به کشتی» برای محصولاتی که نتوان آن‌ها را وزن کرد، نیز خود حکایت جالبی است (۲۱ - ۱۹).

مقدمه‌های سه‌گانه‌ی مصحح، که بالغ بر دوپست صفحه است، مفصل‌ترین ارزیابی تحلیلی از یک متن مربوط به تاریخ کشاورزی و روستایی در ایران است

حشرات از پشه تا پروانه و زنبور و شپش و نظایر آن و فواید و زیان‌های هریک ارائه می‌دهد (۳۶۳ - ۱۸۳). بحث بعدی مؤلف در این قسمت درخصوص شناخت انواع مسمومیت‌ها و عوارض جسمی است که در محیط‌های کشاورزی شیوع داشته است (۳۸۶ - ۳۶۴). این گروه از آفات که تحت عنوان آفات خاصه معرفی شده‌اند، شامل شیوه‌ی علاج شخصی است که تریاک یا تنباکو یا زرنیخ یا مرگ موش و غیره خورده است.

اما شاید یکی از مهم‌ترین بخش‌های مجلد سوم مطالبی است که با عنوان «صرف خرج در ممیزی جمع‌بندی و جمع‌پردازی و تعدیل» (۴۷۵ - ۳۸۷) ارائه شده است. این بخش که به حساب دخل و خرج و به‌ویژه چگونگی تعیین سهم آب و زمین اختصاص دارد، اطلاعات بسیار نادری در موضوعات مختلف مربوط به کشاورزی و آبیاری در آن دوره به دست می‌دهد. مؤلف در شرح اصطلاحات فوق گوید: «اگر قریه و مزرعه جدیدالاحداث و تازه نسق و بلاجمع بوده و دیوانیان عظام و حکام عدالت‌فرجام بخواهند جمع بر آن ببنند، آن ممیز را جمع‌بند گویند. و اگر از قدیم آن قریه و مزرعه جمع داشته و به‌واسطه‌ی ستم شریکی که بعضی از مزارع را جمع زیاد و برخی کم کند، دیوان عدالت‌بنیان می‌خواهد رفع ظلم و ستم شریکی فرماید، میان شرکا تعدیل شود، آن ممیز را جمع‌پرداز و معدل گویند» (ج ۳: ۳۸۷). مؤلف، در ادامه صفات یک ممیز مطلوب را برمی‌شمرد و به طرز تعیین سهم آب در مزارع می‌پردازد (۳۹۰ - ۳۸۹). سپس مباحثی درخصوص علم حساب (۴۳۳ - ۳۹۵) و در «تشخیص اراضی متنازع فیه و مزارع» و چگونگی تقویم املاک قرا و مزارع بیان می‌کند (۴۳۶ - ۴۳۴). این بحث از نظر شمول بر مباحث حقوقی و چگونگی رفع دعوی میان مدعیان اراضی روستایی، واجد اطلاعات ذی‌قیمتی است. مؤلف، در ادامه، به‌صورت مفصل در مورد فعالیت دیگری که در روستاهای ایران جریان داشت، توضیحاتی ارائه می‌دهد. طرح بحث در مورد «شسانی» از فضیلت آن شروع می‌شود و به شناسایی و معرفی انواع چهارپایان اهلی و منافع و فواید آن‌ها و طبایع هریک از احشام می‌رسد. توضیحات مؤلف در مورد گرگ، به‌عنوان دشمن گله‌ها و توضیح باورداشت‌های عامه در مورد این حیوان جالب توجه است. دربرابر، سگ به‌عنوان نگهبان گله واجد صفات خاصی است و باید انواع سگ‌ها را شناخت (۵۲۶ - ۵۰۷). مؤلف هم‌چنین به‌تفصیل درباره‌ی گاو و زنبور و ماکیان مختلف و فواید و بیماری‌ها و درمان بیماری‌های آن‌ها بحث می‌کند و نیز

می‌شود. باب سوم به معرفی مستحقان زکوة اختصاص دارد. سپس بحث زکوة فطره و جنس زکوة بررسی می‌شود (۵۵ - ۲۴). بحث بعدی در مورد چگونگی تعیین و پرداخت خمس از اموال است که در دو باب: آن چه که خمس به آن تعلق می‌گیرد و مصارف خمس مطرح می‌شود (۶۵ - ۵۶). این بخش نیز، با تصویری از چند نفر از رعایا که برای تعیین حساب خمس خود نزد مجتهد مورد وثوق خود حاضر شده‌اند، تزئین شده است (۶۶). نکته‌ی جالب در این بحث آن است که یک‌سره بر متون و آراء فقهی استوار شده است و به‌صورت مشخص، مواضع دیوان‌سالاری و حکومت قاجاریه در این خصوص مورد مستثنا نشده است.

مؤلف بحث بعدی خود را به تشریح موضوع انبارداری و مسائل مربوط به این کار اختصاص داده است. وی با تشریح چگونگی احداث انبار و طرز انتقال محصولات به درون آن، روش‌های حفاظت از اجناس و ادویه‌ای را که برای این کار مورد نیاز است، توضیح می‌دهد. بحث مؤلف درخصوص «معرفت و گرانی و ارزانی» (۷۷ - ۷۲)، اگرچه به اختصار است، اما پرتوی بر آراء اقتصادی و اعتقادی مؤلف می‌افکند. وی با ذکر اجناسی که «شکی نیست که احتکار مذموم بلکه به تجربه رسیده که می‌شوم [= نامبارک] است. ولی در حرمت یا کراهت آن خلاف است و اقوی حرمت است: چنان‌که در اخبار عدیده دارد...» (نوری، ۱۳۸۳، ۳: ۷۳). رویکرد انسان‌گرایانه و نوع‌دوستانه‌ی مؤلف در این روایت منقول از وی به وضوح مشخص است. وی در ادامه‌ی مباحث خود، توضیحاتی در مورد «دفع آفات و رفع عاهات» دارد (۳: ۸۸ - ۷۶) که روش‌های بهره‌گیری از ادعیه‌ی مختلف در رفع آفات را توضیح داده و برای هریک از آفات عام و خاص که برای مزارع و باغات روی می‌دهد، موارد خاصی را تجویز می‌کند. توضیحات مؤلف در تشریح آفات و زیان‌های ناشی از طیور برای مزارع و باغات و ادعیه‌ای که برای دفع آن‌ها وجود دارد (۳: ۱۲۰ - ۸۸) و نیز شرح مبسوط وی در شناسایی انواع جانوران و حیوانات زیان‌رسان به باغات و مزارع، مانند شیر، ببر، پلنگ، چوله، خرس، خوک، کفتار و غیره (۱۶۴ - ۱۲۱) مملو از اطلاعات ذی‌قیمت در مورد تاریخ طبیعی و جانوری ایران در دوره‌ی زندگی مؤلف است. گروه دیگری از جانوران زیان‌رسان به محصولات کشاورزی را حشرات تشکیل می‌دادند که مؤلف، ابتدا ادعیه‌ی مفید برای دفع ضرر و آن‌ها را ذکر می‌کند و سپس ادویه‌های مفید برای درمان گزش جانوران را معرفی می‌کند (۱۸۲ - ۱۶۴). سپس شرح مفصلی درباب انواع

در مورد روباه و مضرات آن (۵۷۸-۵۲۷).

بحث پایانی مؤلف در مجلد سوم کتاب مفاتیح الارزاق ربطی به کشاورزی ندارد و یک‌سره به روابط زناشویی مربوط است و مباحثی چون تولید مثل آدمی، ولادت طفل و آداب و رسوم پس از تولد، مانند نام‌گذاری، تشخیص طالع، سر تراشیدن و عقیقه کردن را شامل می‌شود (۶۴۲-۵۷۹). این بخش «در قانون زرع تخم انسان که باعث قوام و دوام این جهان است» (ج ۳: ۵۷۹) نام‌گذاری شده است. مؤلف با ستایش ازدواج و ذکر فواید آن (۵۸۵-۵۷۹)، به شناسایی و معرفی اصناف زنان، صفات پسندیده و ناپسندیده‌ی ایشان (۵۸۹-۵۸۵)، آداب خواستگاری و سنن نکاح و زفاف (۶۱۸-۵۹۴) و بررسی طلسم‌های رایج در این خصوص (۶۲۰-۶۱۸)، بارداری و زایمان و ولادت نوزاد (۶۳۸-۶۲۰)، و نام‌گذاری و آداب سر تراشیدن و عقیقه کردن کودک (۶۴۴-۶۳۸) می‌پردازد. مطالعه‌ی این بخش از کتاب، که در ظاهر ارتباطی با موضوع اصلی کتاب ندارد، علاقه‌مندان به مسائل تاریخ اجتماعی ایران را بر سر شوق می‌آورد.

تصحیح کتاب

مصحح فرزانه و دانشمند این اثر خود از جمله فحول محققان تاریخ کشاورزی و مسائل روستائینی در ایران است. استاد هوشنگ ساعدلو، که پیش از این آثار ارزشمندی در این موضوع انتشار داده است، با اشتیاق و علاقه‌ی زایدالوصفی به بازخوانی و انتشار منقح مفاتیح الارزاق اهتمام کرده است. بدون تردید توانایی‌های علمی و پیشینه‌ی پژوهشی وی در موضوع تاریخ کشاورزی و روستائینی در ایران سبب شده است یکی از مهم‌ترین متون در مورد وضعیت کشاورزی و مسائل روستایی ایران در سده‌ی سیزدهم و اوایل چهاردهم هـ ق به محضر علاقه‌مندان عرضه شود.

نگاهی به گستره‌ی اصطلاحات و کلمات فنی که در بین جوامع روستایی ایران در سده‌ی سیزدهم هـ ق رایج بوده است و به‌وفور در این کتاب به کار رفته است، نشانگر آن است که تصحیح چنین نسخه‌ی خطی‌ای با چه دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است. افزون بر این، آگاهی‌های گسترده‌ی مؤلف از دانش‌های مختلف زمانه که در کشاورزی کاربرد داشته است (مانند جغرافیا، اقلیم‌شناسی، هیأت، فقه، خاک‌شناسی، گیاه‌شناسی، اصلاح نباتات، آبیاری و نظایر این‌ها) و با زبان خاص آن علوم در گذشته تحریر شده است، در کنار اطلاعات بسیاری که مؤلف در مورد عرف و عادات جاری در جوامع روستایی، روال‌های معمول در میان روستاییان، باورها و عقاید عامه در مورد کشاورزی و نظایر این‌ها، نیازمند تلاشی مضاعف از سوی مصحح بوده است تا امکان فهم متن موردنظر را بیابد. در واقع اگر متن کتاب به شکلی دقیق و درست بازخوانی و منتشر شده است، نباید مانع از آن شود که زحمت و مرارت خواندن چنین متون فنی و تخصصی را که تنها دانش مصحح آن کتاب راه‌گشای به سرانجام رسیدن تصحیح آن بوده است، نادیده انگاشت.

نگاهی به شیوه‌ی تصحیح کتاب نشان می‌دهد مصحح محترم با مستندسازی منشأ روایات و آیات، برخی از اغلاط دستوری و انشایی راه‌یافته در متن اصلی را اصلاح کرده (به‌طور مثال، ج ۱، ص ۴۴)، برخی کلمات دورازدهن را معنی کرده (ج ۱، ص ۴۷) و گاه اطلاعات تأییدنشده درون متن را نیز با عبارت «کذا در متن» (ج ۱، ص ۴۷) به خواننده توجه می‌دهد.

فهارسی که برای مجلدات سه‌گانه‌ی کتاب تهیه شده است، نیز راهنمای خوبی برای جست‌وجو در متن کتاب و دسترسی به مطالب موردنظر است. اگرچه به نظر می‌رسد پیروی از عناوین درون کتاب و گاه مختصر کردن آن عناوین در فهرست مطالب، روند جست‌وجو از طریق فهرست مطالب را با دشواری مواجه کرده و جهت پی بردن به مفهوم عنوان موجود در فهرست باید به‌ناگزیر به متن کتاب مراجعه کرد. شاید اگر افزون بر فهرست مطالب مؤلف، مصحح محترم خود به ارائه‌ی فهرستی امروزی و کارآمد از مطالب کتاب دست می‌زد، کاربرد این بخش از کتاب را برای فهم محتوای کتاب بیشتر می‌کرد.

با عنایت به این که متن نسخه‌ی اصلی احتمالاً توسط نویسنده یا قرائت‌کنندگان بعدی مطالعه شده و برخی حواشی در هامش صفحات مختلف تحریر شده، در پاورقی ارائه شده است.

فهارس چندگانه‌ی کتاب نیز که برای هر مجلد تنظیم شده است، به عنوان روشی کارآمد، دسترسی آسان‌تر به محتوای کتاب را تسهیل می‌کند. فهرست‌های کتاب شامل فهرست آیات قرآنی، فهرست اعلام (کسان)، فهرست نام قبایل و ملل، فهرست اماکن، فهرست ایام و وقایع، فهرست قوافی (ابیات فارسی و عربی)، فهرست تصاویر، فهرست کتب و نوشته‌ها، فهرست واژه‌ها و اصطلاحات (نوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۸۰۵) است. اگرچه برخی از فهرست‌ها، مانند فهرست آیات قرآنی که ناشیانه صفحه‌بندی شده است و فهرست تصاویر که در جلد اول (برخلاف ج ۲ و ۳) بدون شرح است و هم‌چنین فهرست جداول که توضیح به همراه ندارد، در صورتی که با روش دیگری تنظیم می‌شدند، در ساده کردن کار جست‌وجوی اطلاعات درون متن کتاب بسیار سودمندتر بودند. لازم به ذکر است با آن که مصحح ارجمند زحمت تهیه‌ی فهرس مختلف را بر خود هموار کرده است؛ اما در صورتی که یک فهرست دیگر بر این فهرست می‌افزود، وسیله‌ای بسیار کارآمد را در اختیار محققان قرار می‌داد تا با سرعت و دقت بیشتری به جست‌وجو در متن کتاب دست زنند و مطالب موردنظر خود را پیدا کنند. در واقع، ضرورت یک «فهرست موضوعی» برای چنین کتابی بیش از حد تصور است. زیرا بدون تردید بسیاری از متخصصان رشته‌های کشاورزی، آبیاری، جامعه‌شناسی، باورهای عامیانه در خصوص کشاورزی، که افزون بر آن در ذیل عنوان مشخص شده در فهرست موضوعات ابتدای کتاب، در لابه‌لای سطوح مختلف نیز یافت می‌شوند، با مشکل برخورد خواهند خورد.

مقدمه‌ی استاد ساعدلو بر این کتاب خود فصلی تحقیقی و ارزشمند

در مبحث تاریخ کشاورزی ایران و موضوعات مختلف آن در شمار است. در این مقدمه، ضمن معرفی شخصیت نویسنده و نسخه‌ی خطی کتاب، اهمیت تاریخی این اثر بررسی شده (سی‌وچهارالی چهل‌ودو) و منابع و مآخذ مورد استفاده‌ی محمدیوسف نوری را در تألیف کتابش معرفی و ارزیابی از وضعیت ادبیات مکتوب کشاورزی ایران مقدم بر تألیف کتاب مفاتیح‌الارزاق را به دست می‌دهد (چهل‌ودو الی پنجاه‌وشش)؛ سپس بحث مبسوط مصحح در خصوص «سرچشمه‌های کشاورزی ایران» به واکاوی اهمیت و جایگاه آب در تاریخ کشاورزی ایران می‌پردازد و فنون استخراج و بهره‌برداری از آن را در ادب مکتوب آب در ایران مورد بحث قرار می‌دهد. شرح چگونگی تقسیم آب و اداره‌ی امور قنوات نیز از مباحث دقیق این گفتار است (پنجاه‌وهفت الی نودوسه). طرح بحث مصحح در مورد «ده و سازمان تولیدی و اجتماعی آن» (نودوسه الی یک‌صدوسی هشت) شامل طرح مباحث دقیقی در خصوص تعریف ده از مناظر مختلف، انواع مالکیت ارضی و تحولات آن در ایران، روش‌های تقسیم محصول و نظایر این‌هاست.

مصحح در مقدمه‌ی خود بر جلد دوم مفاتیح‌الارزاق - که به‌اشتباه عنوان مقدمه‌ی مؤلف را بر خود دارد - (نوری، ۱۳۸۱، ۲: ۵) برخی مطالب ضروری را که به دلیل تفصیل مقدمه‌ی اول به آن پرداخته نشده بود، در این‌جا آورده است. موضوعاتی چون اهمیت مفاتیح‌الارزاق در شناخت آداب و سنن زندگی روستایی ایران؛ مانند شیوه‌ی ارزش‌یابی خاک از مزه و بوی آن، اقلیم‌شناسی عامیانه، طرز شناسایی اوقات مناسب در هر اقلیم، مقوله‌ی اصلاح بذر (نوری، ۱۳۸۱، ۲: ۶)، آشنایی با باغبانی و فرهنگ و آگاهی‌های ضرور آن و شرح باورداشته‌ها در باب درخت و درخت‌کاری و گل‌کاری (همان: ۸ - ۷)، تعالیم مؤلف در مورد چگونگی افزایش بهره‌وری از کشاورزی و باغداری (همان: ۸). بحث مصحح در مورد ارتباط مباحث مؤلف درباره‌ی باغداری در مفاتیح‌الارزاق و ارتباط آن با جایگاه باغ در تخیل ایرانی و تجلیات آن در ادامه‌ی تعالیم مفاتیح‌الارزاق در خصوص پرورش گل‌ها و فرهنگ گل در ایران (همان، ۲: ۲۰ - ۱۴) و اطلاعات مؤلف در مورد شناسایی درختان و طرز پرورش انواع میوه‌های درختی را بررسی می‌کند (همان، ۲: ۳۳ - ۲۰). گفتاری از مصحح در مورد خدمات امیرکبیر برای توسعه‌ی کشاورزی در ایران (همان، ۲: ۴۷ - ۳۷) که چند سال پیش (۱۳۷۸ ش) تدوین شده بود، نیز در توصیف تأثیرگذاری سیاست‌ها و فعالیت‌های اصلاحی امیرکبیر در احیا و ترویج و ترقی مناسبات کشاورزی در ایران، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در فضای فکری و فرهنگی شکل‌گیری کتاب مفاتیح‌الارزاق، خواندنی است.

مصحح، در مقدمه‌ی خود بر جلد سوم (۱۳۸۳ ش) به شرح و بررسی موضوعات اصلی که در این جلد آمده است، می‌پردازد. روش مصحح در دسته‌بندی موضوعی مطالب جلد سوم و تشریح ابعاد و زوایای هر موضوع از اهمیت زیادی برای مطالعه‌ی کتاب توسط افرادی که

از دانش تخصصی لازم برای متن فنی کشاورزی بهره‌مند نیستند، برخوردار است. در این مقدمه، مراحل مختلف فعالیت‌های درو، جمع‌آوری محصول و فعالیت‌های جنبی آن تا شیوه‌ی محاسبه و تسویه با عوامل تولید واری می‌شود. تلاش مصحح برای نشان دادن ارزش‌های مردم‌شناختی و اطلاعات مربوط به آداب و رسوم روستاییان و باورداشته‌های آنان در خصوص هریک از مراحل مورد بحث نیز از ارزش زیادی برخوردار است. وی در مورد اهمیت کتاب مفاتیح‌الارزاق برای این مباحث چنین می‌گوید: «... مفاتیح‌الارزاق... ما را مستقیماً در بطن فرهنگ روستایی ایران قرار می‌دهد و از هر نظر بدان توجه می‌کند. هم سماوی و هم ارضی. هم به‌لحاظ آیات و احادیث و هم از جهت فن و حرفه و از این‌رو، کتاب هم به میتولوژی زراعی توجه می‌کند و هم به علوم مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستا و روستایی و نیز اصول اقتصادی آن در چارچوب هزینه و فایده» (نوری، ۱۳۸۳، ۳: ۱۵). ادامه‌ی بررسی مباحث مصحح در مقدمه‌ی جلد سوم کتاب به ارزیابی و تحلیل موضوعاتی چون: شیوه‌ی خرمن‌کوبی، نگاه‌داری محصولات در انبارها (همان، ۳: ۱۴ - ۱۳)، آرای اقتصادی مؤلف در اقتصاد کشاورزی و از جمله مذمت احتکار محصولات (۱۵ - ۱۴)، کاربرد دعا در اعمال مختلف کشاورزی و از جمله در دفع آفات (همان، ۳: ۱۶ - ۱۵)، خواص درمانی محصولات کشاورزی و اشاراتی به دستورات طبی برای روستانشینان (۱۹ - ۱۸)، و آگاهی‌های کتاب در مورد چگونگی بررسی حساب دخل و خرج و صفات ممیز یا محاسب (۱۹).

بدون اغراق، مقدمه‌های سه‌گانه‌ی مصحح، که بالغ بر دوپست صفحه است، مفصل‌ترین ارزیابی تحلیلی از یک متن مربوط به تاریخ کشاورزی و روستایی در ایران است و از حیث اشمال بر بسیاری توضیحات و شرح‌های فنی مربوط به علوم مختلف کشاورزی، که برای فهم چنین متنی ضرورت دارد، منحصر به فرد است. افزون بر این، این مقدمه‌ی مفصل را می‌توان آخرین و تازه‌ترین تحقیق در مناسبات تاریخی کشاورزی و روستایی در ایران به شمار آورد. در واقع، جای بسی خوش‌وقتی است که انتشار این اثر ارزنده در تاریخ کشاورزی و روستایی ایران با مقدمه‌ای چنین عالمانه و پربار توأم شده است.

مآخذ

- سابتنی، ماریا؛ دفاع از کشاورزی: ارشادالزراعه و نقش آن در اقتصاد سیاسی ایران در آغاز عهد صفوی؛ ترجمه‌ی محمدجواد مهدوی؛ در: برگ بی‌برگی (یادنامه‌ی استاد رضا مایل)؛ به‌کوشش: نجیب مایل هروی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸، صص: ۲۲۸-۲۰۷.
- افشار، ایرج؛ فهرست‌نامه‌ی اهم متون کشاورزی در زبان فارسی؛ در: آینده، سال هشتم، شماره‌ی ۱۰، دی ۱۳۶۱، صص: ۶۹۴-۶۸۶؛ شماره‌ی ۱۱، بهمن ۱۳۶۱، صص: ۸۱۴-۸۱۰.
- نوری، محمدیوسف؛ مفاتیح‌الارزاق یا کلید در گنج‌های گهر؛ ۳ ج، مقدمه و تصحیح: هوشنگ ساعدلو؛ تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.